

سه گانه
ثروت
قدرت
دانش



قدرت

قانون



ظهور
شبکه
های
مجازی

رسانه های جمعی

درس ششم قدرت اجتماعی



یکی از موضوعات رایج درس انشا چه بود؟

پرسش «علم بهتر است یا ثروت» زمانی یکی از موضوعات رایج درس انشا بود. آیا می دانید معمولاً چه پاسخی به این پرسش داده می شد؟ چرا چنین پرسشی زمانی پررنگ می شود و گاهی کم رنگ؟ شما چه پاسخی به این پرسش می دهید؟

انسان همواره چه عواملی را پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می دانست؟

انسان، همواره سه گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزش های واسطه ای و پیش نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می دانست. از این رو هر سه آنها را خوب و خیر قلمداد می کرد، ولی وقتی عملکرد آنها را در دستیابی به

سعادت با یکدیگر مقایسه می کرد معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری یا خنثی (نه تماماً خوب و نه تماماً بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد و شر) ارزش گذاری می کرد. این نگاه به خوبی در دو حکایت زیر از عطار نیشابوری و سعدی شیرازی بیان شده است.

«ابراهیم ادهم حاکم بلخ بود. یک شب روی تختش خوابیده بود که صدای پایی از سقف کاخش شنید. ابراهیم پرسید: چه کسی جرئت کرده که روی سقف قصر من راه برود؟ کسی پاسخ داد: شتری گم کرده ام روی این بام

۱- شنیده اید که می گویند «فلانی واسطه خیر شده است؟» یعنی او با عمل خود، واسطه عمل خوب دیگری شده است. واسطه خیر، خودش نیز خیر است. منظور از ارزش غایی چیست؟

منظور از ارزش واسطه ای چیست؟

آدم و عالم، بیهوده و عبث خلق نشدند. خلقت آنها هدف و غایتی دارد. رسیدن به این غایت، همان سعادت و کمال انسان است که از آن به ارزش غایی تعبیر می شود. به هر چیزی که مقدمه و راه رسیدن به ارزش غایی باشد، ارزش واسطه ای گفته می شود به این معنا که ارزش خود را از ارزش غایی می گیرد. وقتی ارزش غایی انکار می شود ارزش های واسطه ای نیز فاقد معنا و ارزش می شوند.

چه زمانی ارزش های واسطه ای فاقد معنا و ارزش می شود؟

سعدی شیرازی در کتاب گلستان چگونه میان قدرت، ثروت و دانش داوری می کند؟ مصداق بیاورید

به دنبالش می گردم! ابراهیم گفت: ای نادان! چرا روی بام به دنبال شترت می گردی؟ پاسخ شنید: ای غافل! تو چرا روی تخت پادشاهی به دنبال خدا می گردی؟»

«دو امیرزاده در مصر بودند. یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت. عاقبت آن یکی علامه عصر گشت و این یکی عزیز مصر شد. پس این توانگر به چشم حقارت در عالم نظر کردی و گفتی: من به سلطنت رسیدم و این همچنان در مسکنت بمانده است. گفت: ای برادر! شکر، نعمت باری عز اسمه همچنان افزون تر است بر من که من میراث پیغمبران یافتم؛ یعنی علم و تو را میراث فرعون و هامان رسید؛ یعنی ملک مصر.»

کجا خود شکر این نعمت گزارم که زور مردم آزاری ندارم

چرا در دوران اخیر، داوری اخلاقی در مورد سه گانه قدرت، ثروت و دانش کنار گذاشته شد؟

اما در دوره اخیر و در جهان اجتماعی مدرن، برخی مدعی شدند که همین ارزیابی های اخلاقی و نگاه های واسطه ای به قدرت و ثروت، دست و پاگیر بوده و مانع توسعه و پیشرفت آنها شده است؛ لذا بعد از آن بود که داوری اخلاقی درباره قدرت و ثروت نادیده گرفته شد تا با توسعه و گسترش آنها زمینه آسایش و آرامش دنیوی کدام علم در جهان مدرن در خدمت توسعه آسایش و سایر اهداف دنیوی بشر به کار گرفته شد؟ شهریور 1404 بشر بیشتر فراهم شود. در این زمان، دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود و در خدمت همین هدف به کار گرفته شد. اما دیری نپایید که در کنار نتایج خیره کننده و شگرف توسعه قدرت، ثروت و دانش، پیامدهای دیگری مانند فقر، نابرابری، بی عدالتی، سرکوب، جنگ، تخریب طبیعت و ... نیز آشکار شدند. آشکار شدن این نتایج و

پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند آنها، جنبش های اجتماعی و واکنش های شدیدی را نیز برانگیخت.

در دوران اخیر، نخستین واکنش شدید به کدام سه گانه قدرت، ثروت و دانش صورت گرفت؟ نخستین واکنش و جنبش اجتماعی در برابر ثروت شکل گرفت. ثروت دیگر نه یک امر خاکستری و خنثی (نه

خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلم ها و شرارت ها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد. آیا شما از هویت،

نخستین واکنش و جنبش اجتماعی در جهان مدرن، در برابر کدام یک

از این ارزش ها شکل گرفت؟ شهریور 1404

تاریخ و جغرافیای این جنبش اجتماعی اطلاع دارید؟

چرا واکنش شدید بعدی در برابر دانش صورت گرفت و سر نوشت آن به چه انجامید؟

واکنش شدید بعدی در مقابل دانش، شکل گرفت و خوش بینی به آن نیز دچار تردید شد. تا پیش از این، منازعات

و اختلافات بر سر قدرت و ثروت را به قضاوت دانش می سپردند، ولی از این به بعد دیگر خود دانش نیز مورد

نزاع و کشمکش بود. یعنی دانش دیگر نه تنها راهنمای ما به سوی سعادت نبود، بلکه به همراه قدرت و ثروت رو

به تاریکی و ظلمت می نهاد. آیا شما از هویت چنین واکنش هایی خبر دارید؟

حالا نه تنها قدرت بلکه ثروت و دانش نیز مورد شک و تردید جدی قرار گرفت. از این پس این پدیده ها برای

انسان هیچ گونه معنا و ارزش ذاتی ندارند و انسان صرفاً به لذت و منفعت مادی که قدرت، ثروت و دانش، بشر چگونه واکنش

تولید می کنند، دل خوش می کند. ولی از آنجا که انسان در برخورد با هر پدیده ای، دیر یا زود به معنا و ارزش آن

می اندیشد، نمی تواند صرفاً به لذت و منفعت مادی ناشی از قدرت، ثروت و دانش قانع باشد و به آن بسنده کند.

آیا تردید و واکنش نسبت به عوامل سه گانه ثروت، قدرت و دانش، محدود به دوره مدرن و جهان غرب است؟

با اینکه این تصویر از قدرت، ثروت و دانش و این تجربه و سبک زندگی به زمینه (جغرافیا) و زمانه (تاریخ) خود

محدود نماند و تا به امروز به تمام نقاط دنیا تسری یافت، ولی این موقعیت، هرگز پایان راه بشر و اندیشه و تجربه

او نبوده است و انسان ها، فرهنگ ها و جوامع بشری، همواره درباره این مقوله ها می اندیشند.

راستی شما چه تصویری از قدرت، ثروت و دانش دارید؟ شما چگونه قدرت را ارزیابی و داوری می کنید؟ به نظر شما

راهی برای ارزیابی علمی و عقلانی قدرت وجود دارد؟

۱- چگونگی رفع اختلافات اجتماعی

مدرسه محل یادگیری **قانون، نظم و انضباط** است، ولی گاهی محل نزاع و کشمکش نیز می‌شود. به نظر شما اگر دانش‌آموزی در حیاط مدرسه از سوی دانش‌آموز دیگری مورد تهاجم واقع شود، باید چه کار کند؟

هم زیستی انسان‌ها و زندگی جمعی آنها، همواره چه مسائلی را پدید می‌آورد؟ با مثال توضیح دهید

انسان‌ها در این دنیا، با هم و به شکل گروهی و جمعی زندگی می‌کنند. هم‌زیستی انسان‌ها و زندگی جمعی آنها **همواره مسائل مشترکی** پدید می‌آورد که باید با هم درباره آنها تصمیم بگیرند. مثلاً مردم یک روستا، برای حمل و نقل محصولات روستا و کالاهای مورد نیاز اهالی یا برای تأمین آب کشاورزی و یا امنیت روستا باید همه با هم چاره‌اندیشی کنند و تصمیم بگیرند.

افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی به چه دلایلی از هم متفاوت‌اند؟

افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی به دلایل متفاوت زیستی و طبیعی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی همواره متفاوت بوده‌اند. حتی در یک اجتماع کوچک انسانی نیز افراد و گروه‌ها با هم متفاوت‌اند. وقتی انسان‌ها جمعی زندگی می‌کنند، این تفاوت‌ها نیز می‌تواند باعث اختلاف‌ها و تضادهایی **چه عواملی، سیاست و عمل سیاسی را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد؟** در میان آنها شود. تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که باهم زندگی می‌کنند، «سیاست» و «عمل سیاسی» را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد. **چه زمانی سیاست ضروری‌تر و پیچیده‌تر می‌شود؟** هرچه در گذر زمان، جوامع پیچیده‌تر می‌شوند، سیاست نیز ضروری‌تر و البته پیچیده‌تر می‌شود. با این احوال آیا زندگی اجتماعی بدون سیاست امکان‌پذیر است؟ **خیر**



■ گاهی بارندگی کم است و گاهی سیل آسا. باید کارهای جمعی و فعالیت‌های منظم انجام شود تا با سازماندهی نیروی بیشتری، سد و آب‌بند ساخته شود، قدرت باید آب‌ها را مهار کند. چنین بود رسالت نخستین امپراتوران چین و چنین بود لقب «یوی کبیر»: رام‌کننده آب‌ها.



■ کار عظیمی که فرعون‌های مصر انجام دادند، ساختن نهرها و زهکشی بزرگی بود که طغیان نیل را مهار می‌کرد و به صورت آبیاری منظمی در می‌آورد. برای به‌دست آوردن محصول بیشتر از مزارع حاصل‌خیز از فرعون (شاه) اطاعت می‌شد.

هر دو تصویر اشاره به پدید آمدن سیاست و عمل سیاسی در زندگی اجتماعی دارد

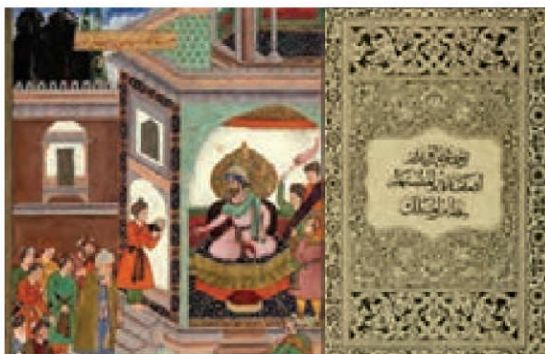
سیاست دو بُعد اصلی دارد، کدام یک از ابعاد آن امروزه به قانون کاهش یافته است؟ خرداد ۱۴۰۲



دو بُعد اصلی سیاست کدامند؟

سیاست دو وجه یا بُعد اصلی دارد. ^۱ یک بُعد آن تدبیر و تنظیم امور - که امروزه به قانون کاهش یافته - و بعد دیگر آن ^۲ ضمانت اجرای قانون است که نیازمند قدرت می باشد. به عبارتی در پاسخ به این پرسش که (سیاست، قدرت است یا قانون؟) باید گفت هر دو. انتظار می رود که هر کس با اتکا به عقل، ایمان و تقوای خویش، قانون را رعایت کند، ولی برای اجرای قانون، باید از قدرت نیز استفاده کرد یا حداقل باید تهدید کرد که در صورت تخلف از قانون، از قدرت استفاده می شود. برخی مواقع، ترس از پاسبان و مأمور قانون، راننده را از سریع راندن باز می دارد و او را وادار می کند که سرعت مجاز و مطمئن را رعایت کند.

آیا سیاست، تدبیر امور، یا همان اداره کردن جامعه است؟ یا سیاست، سازوکار کسب قدرت، حفظ قدرت و افزایش آن است؟ قدرت وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام آور آن است، ولی در گذشته، قدرت، مسئله اول و اصلی سیاست نبوده است. بلکه قدرت، وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت های اخلاقی قلمداد می شده است. البته این امر به این معنا نیست که همه حاکمان و قدرتمندان در عمل به چنین اندیشه و نگاهی پایبند بوده اند؛ بلکه منظور این است که تلقی عمده فرهنگ ها و جوامع بشری از سیاست و قدرت این گونه بود و البته سیاستمداران و قدرتمندان نیز حداقل در ظاهر، ناگزیر از توجه به چنین معنایی از سیاست و قدرت بودند. ^۳ راجع به سیاست نامه ها چه نوع کتابی بودند؟ و سیاست نامه ها که مجموعه نصیحت هایی برای ملوک و پادشاهان بود، شاهد این واقعیت است (در قرون اخیر، جهان مدرن، قدرت و سیاست را چگونه ارزیابی می کند؟) خود قدرت صرف نظر از اینکه وسیله تحقق اهداف و غایات اخلاقی باشد، مستقلاً دارای اهمیت شده است. به عبارتی، قدرت به مسئله اصلی سیاست و جوهر آن تبدیل شده است و در این میان، برخی همه سیاست را قدرت می دانند و برخی بخش عمده ای از آن را قدرت می پندارند. در این نگاه، سیاست با غایت و هدف سعادت و فضیلت، داوری شهریور ۱۴۰۲ نمی شود، بلکه بیشتر با آرمان بیروزی، موفقیت و تسلط ارزیابی می گردد. (شهریور ۱۴۰۴)



■ سیاست نامه یا سیرالملوک کتابی است به زبان فارسی در آیین کشورداری و فرمانروایی و اخلاق و سیاست که خواجه نظام الملک طوسی آن را نوشته است. برخی از عناوین فصول این کتاب عبارتند از: اندر مظالم نشستن، پادشاه و عدل و سیرت نیکو، اندر پژوهش کردن کار دین و شریعت، اندر بخشیدن پادشاه بر خلق و هرکاری بر قاعده خویش و

■ سنگ نوشته داریوش در نقش رستم معروف به Dnb حاوی نکاتی درباره زمامدار و آیین شهریاری است با عبارت هایی این چنین: (اهورامزدا خرد را بر داریوش شاه فرو فرستاد) (نه مرا میل است که شخص ضعیف از طرف توانا به او بدی کرده شود) (آنچه راست است آن کام من است) (جنگاورم. باهوش و فرمان. خود را برتر از هراس می نگرم)

آیا قلمرو سیاست، محدوده حکومت و دولت است یا سیاست قلمرو عام تری دارد؟

آیا قلمرو سیاست، محدوده حکومت و دولت است یا سیاست، قلمرو عام تری دارد؟ (در گذشته و به صورت عادی، سیاست، محدوده حکومت و دولت به حساب می آمده است ولی امروزه این تلقی وجود ندارد و تمامی جامعه می تواند قلمرو سیاست باشد) سیاست با هیچ مقوله عینی و محسوسی مترادف نیست بلکه در کل جامعه و همه اجزای آن جاری است. البته این سخن به این معنا نیست

خرداد ۱۴۰۴

که هر نگاه به جامعه و هر وجهی از جامعه، سیاسی باشد. پس چگونه می توانیم امور سیاسی و غیرسیاسی را از یکدیگر تشخیص دهیم؟ (هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه های

اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت و یا با قدرت سروکار دارد، امر سیاسی **مفهوم سیاست چیست؟**

به شمار می رود.) (سیاست، مجموعه روش هایی است که هر واحد اجتماعی برای تحقق **اهداف جمعی**

به شیوه کارآمد و مؤثر به کار می گیرد.) قدرت، نیز ضمانت اجرای اینگونه کنش های جمعی است که

دی ۱۴۰۳

نبود آن بقای جامعه را به مخاطره می اندازد.

امروزه در صورت فقدان قدرت، جامعه با چه خطراتی مواجه می شود؟

نمونه بیاورید

آیا می توانید نمونه هایی از کنش های سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت را مثال بزنید؟ پیشنهاد می شود با راهنمایی دبیر خود در پدیده هایی مانند ورزش، تفریح، پوشش، هنر، واسطه ها، دلال ها، جشن ها، رسانه ها، شبکه های اجتماعی و ... تأمل کنید. می توانید در اخبار جاری یک ماه یا حتی یک سال کشور خودمان یا سایر جوامع جست و جو کنید و مصادیق چنین کنش هایی را پیدا کنید.

کنش های سیاسی، بیرون از نهاد حکومت و دولت هم انجام می شود. هر ۳ تصویر زیر، مصادیقی از کنش های سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت است



یکی از مهم ترین شخصیت های ورزشی قرن بیستم، چه کسی بود و فعالیت های او در چه زمینه ای بود؟

■ محمدعلی کلی، بوکسور حرفه ای سنگین وزن آمریکایی بود که به عنوان یکی از مهم ترین شخصیت های ورزشی قرن بیستم شناخته می شود.

■ «ویکی لیکس» سازمانی غیرانتفاعی و بین المللی است. بنیانگذار آن یک فعال اینترنتی به نام جولین آسانژ است. تصمیم دولت انگلیس در تحویل او به آمریکا، توسط ویکی لیکس روزی سیاه برای آزادی رسانه ها و دموکراسی نام گرفت.

■ شورش علیه انقراض یک جنبش زیست محیطی جهانی است با هدف به کارگیری نافرمانی مدنی بدون خشونت.

شورش علیه انقراض چه نوع جنبش زیست محیطی است و هدف آن چیست؟

ویکی لیکس چه نوع سازمانی است و هدف آن چیست؟

۲- تغییرات قدرت در گذر زمان

قدرت اجتماعی چه زمانی پیدا می شود؟ شهریور ۹۴ دی ۹۶

دی ۱۴۰۰ قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود، بتواند بر اراده دیگران اثر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد آنان که توان تأثیرگذاری بیشتری بر

اراده دیگران دارند، قدرت اجتماعی بیشتری دارند.

چگونه اراده فردی بر اراده دیگری اعمال می شود؟ تمکین و پیروی چگونه شکل می گیرد؟ آیا تهدید به تنبیه بدنی، پاداش نقدی، تشویق یا عامل قوی تری موجب می شود که شخص یا اشخاصی از خواست خود چشم بپوشند و تن به خواست دیگری دهند؟ چگونه بعضی فرمان

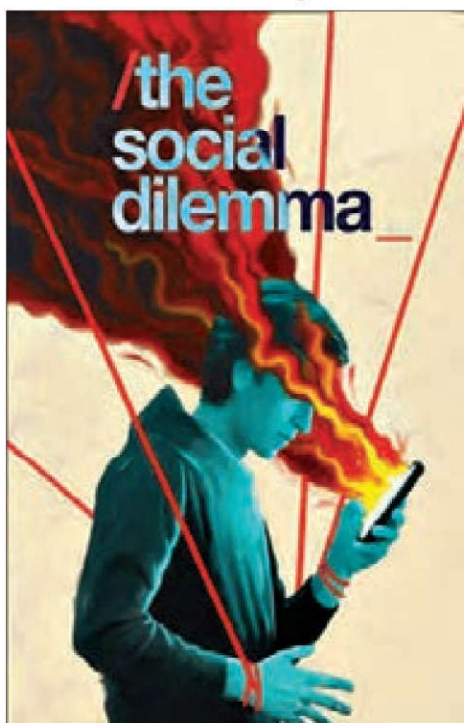
می دهند و چه چیز موجب فرمان بری دیگران می شود؟

از گذشته تا کنون ابزارهای اعمال قدرت چه تغییراتی کرده است؟ شهریور ۱۴۰۲ (از گذشته تا کنون ابزارهای اعمال قدرت تغییراتی کرده است. امروزه از ابزارهای تنبیهی (زور،

خشونت و...) کمتر از ابزارهای تشویقی (ثروت، درآمد، پاداش مالی و...) استفاده می شود و از

ابزارهای تشویقی نیز کمتر از ابزارهای اقناعی (فکر، وجه مشترک قدرت تنبیهی و آموزش، تبلیغ و...) استفاده می شود.) وجه مشترک

۱۴۰۴ شهریور ۱۴۰۴ خرداد ۱۴۰۴ قدرت تشویقی چیست؟



قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر دو، پیروی کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد.) در مورد نخست به دلیل اجبار و در

خرداد ۱۴۰۲ مورد دوم برای پاداش پیروی می کند. قدرت اقناعی

برخلاف این دو با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع

قدرت، اعمال می شود. در ترغیب، تبلیغ و آموزش

و تعهد اجتماعی، آنچه فرد، درست و حق و هنجار

می پندارد موجب تبعیت او از اراده و خواست دیگران

خرداد ۱۴۰۲ می شود. در قدرت اقناعی، تبعیت و پیروی نشانه کار

درست است. به گونه ای که پیروی کننده، در مواردی

متوجه تبعیت و پیروی خود نمی شود و به عبارتی

ایا قدرت اقناعی همواره از طریق درست و شایسته انجام می گیرد؟ برای پیروی، محاسبه سود و زیان خود را نمی کند در

مواردی اقناع از طریق درست و شایسته و در مواردی

از مسیر نادرست و ناشایست شکل می گیرد.)

امروزه قدرت تنبیهی در دست چه نهادی می باشد و چگونه اعمال می شود؟

امروزه قدرت تنبیهی عمدتاً منحصر و متمرکز در

دست دولتهاست که از طریق قانون و پیمودن

مراحل قانونی اعمال می شود.) از سویی انتظار می رود

تمرکز قدرت تنبیهی در دست دولت ها چه مزایایی دارد؟

■ مستند «معمای اجتماعی» محصول سال ۲۰۲۰ آمریکاست و ظهور رسانه های اجتماعی و آسیبی که به جامعه می زند را بررسی می کند و به نحوه بهره گیری این رسانه ها از کاربران شان از طریق سیستم های نظارتی نظام سرمایه داری و استخراج اطلاعات آنها می پردازد. مستند فرای اثرات فردی به اثرات ویرانگر اجتماعی رسانه های اجتماعی نیز می پردازد.

افراد مطمئن شوند که از ناحیه هیچ فرد یا گروهی مورد ضرب و شتم و تنبیه قرار نمی گیرند و از سوی دیگر هیچ کس نباید به صورت خودسرانه به اعمال خشونت و تنبیه دیگران مبادرت کند. **منظور از منابع و عوامل قدرت چیست؟** علاوه بر ابزارهای سه گانه اعمال قدرت باید از منابع و عوامل قدرت نیز یاد کرد. به این معنا که سه عامل، موجب دسترسی به قدرت می شود: **شخصیت، مالکیت و سازمان.** منابع و عوامل قدرت، در واقع ظرف ها و قالب هایی هستند که ابزار سه گانه قدرت، درون آنها شکل می گیرند و اعمال می شوند. **از منابع و عوامل قدرت، شخصیت را توضیح دهید**

[شخصیت خصلت های جسمانی (قد، هیکل و ...)، فکری، بیانی، اخلاقی، هوش، جاذبه یا دیگر **در جوامع نخستین، قدرت بدنی منبع دستیابی به کدام نوع قدرت است؟** ویژگی های شخصیتی است که موجب دست یافتن به یک یا چند ابزار قدرت می شود. **در جوامع نخستین، قدرت بدنی منبع دستیابی به قدرت تنبیهی بود و هنوز هم در برخی از گروه ها برای مردان قوی هیکل و قوی پنجه، منبع قدرت است. با این حال، در روزگار کنونی، شخصیت با قدرت اقناعی یعنی توانایی ترغیب یا ایجاد باور، نزدیکی بیشتری دارد.]**

دی ۱۴۰۳



■ ارتباط میان شخصیت و قدرت تنبیهی تأثیر خود را بر نحوه نگرش و رفتار افراد همچنان خواهد داشت. ظاهراً رهبران بزرگ افسانه ای یا تاریخی چون هرکول و شارل دوگل بخشی از قدرت خود را رهین قدرت بدنی یا بلندی قامت خود بوده اند، از اینها به عنوان شخصیت های آمر و حاکم یاد می کنند. ناپلئون استثنائاً به خاطر جثه کوچکش معروف بود، امروزه نیز در مواردی گرایش به تمکین در برابر افراد قدبلند و تنومند وجود دارد.

از منابع و عوامل قدرت، مالکیت را توضیح دهید

[مالکیت (ثروت و درآمد) وسیله جذب اطاعت دیگران است. ثروت، وجهه و شانی به فرد عامل قدرت می دهد که همان اراده و قاطعیت اوست و می تواند موجب اطاعت اقناعی دیگران شود؛ ولی مسلم است که مالکیت بیشتر با قدرت تشویقی **قربت دارد.** **مالکیت با کدام یک از ابزار اعمال قدرت، قربت بیشتری دارد؟**

شخصیت
مالکیت
سازمان

منابع و عوامل قدرت

ابزار تنبیهی
ابزار تشویقی
ابزار اقناعی

ابزارهای قدرت

۶۰

دولت هم مانند مردم برای زندگی به پول احتیاج دارد و باید منابع مالی داشته باشد تا بتواند خدمات خود را انجام دهد و کشور را مجهز کند. از این رو تعیین منابع مالیات و مصادیق مصرف مالیات از دیرزمان وظیفه دولت‌ها بوده است. برخی مواقع ثروتمندترها مالیات نمی‌پردازند. بسیاری از ورزشکاران ثروتمند و مشهور و هنرپیشه‌های معروف سینما از مالیات معاف می‌شوند یا از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. طرفدارانشان نیز آنها را تشویق و حمایت می‌کنند؛ بدون آنکه متوجه باشند اگر این ستارگان، مالیات بپردازند، طرفداران آنها کمتر زیر فشار مالیات قرار خواهند گرفت.

مهمترین منبع قدرت در جوامع امروزی چیست؟ و به چه معناست؟

سازمان یعنی جمع کسانی که منافع، ارزش‌ها یا برداشت‌های مشترکی دارند. سازمان مهم‌ترین **دی ۱۴۰۳**

منبع قدرت در جوامع امروزی است. البته سازمان، هم پیوند میان افراد و گروه‌های انسانی مانند

رابطه همکاران و هموطنان و هم‌کیشان را در برمی‌گیرد که از آن به «انسجام اجتماعی» یاد **شهریور ۱۴۰۲**

می‌شود و هم پیوند میان نقش‌ها، واحدها و ساختارهای اجتماعی مثل رابطه اقتصاد و سیاست یا

علم و سیاست را شامل می‌شود که از آن به «یکپارچگی نظام» تعبیر می‌شود. **خرداد ۱۴۰۴**

سازمان در درجه نخست با قدرت اقناعی خویشاوند است؛ به این معنا که اعمال قدرت اقناعی،

نیازمند وجود سازمان است. لازمه سازمان، پذیرفتن هدف‌های سازمان توسط افراد و اعضای آن **خرداد ۱۴۰۲**

است. سازمانی که اعضای آن به‌طور یکپارچه، اهداف آن را قبول نداشته باشند و از آن صداهای

مختلفی شنیده شود، نمی‌تواند اطاعت افراد بیرون از خود را تضمین کند. مثلاً اختلاف نظر شدید

پزشکان می‌تواند مانع پیروی بیماران از دستورات پزشکان شود. به همین دلیل نظام پزشکی به شدت

مانع چنین اختلاف نظرهایی می‌شود. جوامع خود بزرگ‌ترین و مؤثرترین سازمان‌ها هستند. جوامعی **چه جوامعی در مقابل رقیبان و دشمنانشان آسیب‌پذیر می‌شوند؟**

که اختلاف و چنددستگی در آنها پیدا شود، با چه خطری روبرو می‌شوند؟ **جوامعی که اختلاف و چنددستگی در آنها پیدا شود، در مقابل رقیبان و دشمنانشان آسیب‌پذیر می‌شوند.**

همانند ابزار اعمال قدرت (تنبیهی، تشویقی، اقناعی)، منابع و عوامل قدرت (شخصیت، مالکیت

و سازمان) نیز در طول تاریخ، تغییراتی کرده‌اند. از اثرگذاری و تأثیر شخصیت (قد، هیکل،

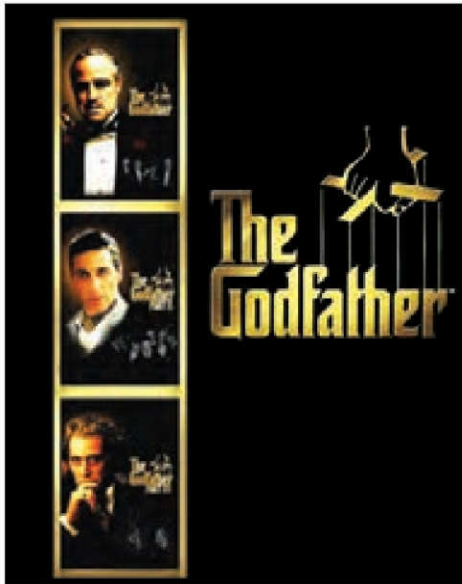
هوش، جاذبه، قدرت بیان و ...) تا حدود زیادی کاسته شده است و همین‌طور از سهم مالکیت

نیز فروکاسته شده و درمقابل، نقش سازمان، افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که **امروزه بیشترین**

قدرت‌ها درون سازمان‌ها متمرکز شده‌اند؛ مثلاً در شرکت‌های بزرگ از سهم مالکیت و نقش **شهریور ۱۴۰۴**

امروزه بیشترین قدرت‌ها در کدام یک از منابع قدرت متمرکز شده است؟ با مثال

در شرکت های بزرگ با کاسته شدن سهم مالکیت و نقش سهامداران، بر نقش چه کسانی افزوده می شود؟ **مدیران و مشاوران**
 افزایش قدرت مدیران و مشاوران سازمانی به کدامیک از منابع قدرت مربوط می شود؟ **سازمان**



سهامداران کاسته شده و بر نقش مدیران و مشاوران افزوده شده است. این تغییرات به اندازه ای مهم بوده است که مالکیت و شخصیت به پشت گرمی سازمان، مؤثر واقع می شوند.

■ سه گانه فیلم پدرخوانده روایتی از یک آغاز و پایان است. از گرفتن و باختن قدرت. پدرخوانده، قدرتمند است، پسرخوانده، مایکل، تلاش می کند راه پدر را به روشی جدید ادامه دهد. او صاحب دانش نیز هست.

تکمیل کنید

آیا تاکنون پی برده اید که میان ابزارهای اعمال قدرت و منابع قدرت چه نوع همبستگی ای وجود دارد؟ جدول زیر را کامل کنید.

منابع یا عوامل قدرت	ابزار اعمال قدرت	مثال و نمونه	موارد نقض
شخصیت	تنبیهی	قدرت هرکول و شارل دوگل با قدرت بدنی بالا، یا قد بلند	گاندی
مالکیت	تشویقی	تشویق و حمایت از ورزشکاران و هنرپیشه های ثروتمند توسط طرفدارانشان	عدم حمایت اغلب مردم از ثروتمندان جامعه
سازمان	اقتناعی	پذیرش اهداف یک سازمان توسط اعضای آن و یکپارچگی میان آن ها	اختلاف و دو دستگی میان اعضای یک سازمان به دلیل عدم پذیرش اهداف آن سازمان

تشریح کنید

آیا میان مزایای مطرح شده در ورودی درس؛ یعنی سه گانه قدرت، ثروت و دانش با سه گانه منابع و سه گانه ابزار قدرت، ارتباطی وجود دارد؟ آیا میان قدرت و دانش رابطه ای وجود دارد؟ جدول زیر را تشریح کنید.

منابع یا عوامل قدرت	ابزار اعمال قدرت	ارزش های اجتماعی
شخصیت	تنبیهی	قدرت
مالکیت	تشویقی	ثروت
سازمان	الف <u>اقتناعی</u>	ب <u>دانش</u>

با توجه به ارتباط سه گانه منابع و سه گانه ابزار و سه گانه ارزش های اجتماعی، جدول زیر را کامل کنید. دی ۱۴۰۲

● شاید شنیده‌اید که برخی برای دعوت به مشارکت اجتماعی و سیاسی و نظارت بر کنشگران و واحدهای اجتماعی و سیاسی، می‌گویند تماشاگر (بی‌توجه و منفعل) نباشید. اما آیا واقعاً تماشاگران بدون قدرت‌اند؟ آیا تماشاگران بازی فوتبال، قضاوت و نظارت نمی‌کنند؟ آیا قضاوت و نظارت آنها بی‌اثر است؟ آیا رأی‌دهندگان قضاوت و نظارت نمی‌کنند؟ رأی‌دهندگان چگونه می‌توانند بر رفتار و اعمال کنشگران و نمایندگان سیاسی نظارت کنند؟ **مشارکت سیاسی چه پیامدی دارد؟**

● پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی موجب افزایش آگاهی سیاسی می‌شود. در جایی که مردم به هر دلیلی مشارکت‌کننده سیاسی نیستند، سطح آگاهی سیاسی آنها به مانند حالتی که مشارکت دارند، رشد و گسترش نخواهد داشت. **انتخابات** یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی است. در مواردی ممکن است به جای برگزاری انتخابات، قرعه‌کشی کنند، مثلاً در برخی از اجتماعات

مانند ساختمان‌های مسکونی و شرکت‌های اقتصادی به جای برگزاری انتخابات از قرعه‌کشی برای تعیین هیئت مدیره استفاده می‌کنند. به نظر شما چه تفاوتی میان انتخابات و قرعه‌کشی وجود دارد؟



۳- مطالعه علمی قدرت و سیاست

قدرت چگونه مفهومی است؟ سخن گفتن از چه ارزش‌هایی به قدرت بی‌طرفانه است؟
(قدرت مفهومی مسئله‌برانگیز و به شکل اجتناب‌ناپذیری، ارزشی است) سخن گفتن از قدرت

و سیاست به قدرت بی‌طرفانه است. کمتر واژه‌ای نظیر قدرت، با واکنشی بسیار تحسین‌آمیز یا نفرت‌انگیز روبه‌رو می‌شود. **معمولاً در نظر مردم، سیاستمدار چگونه فردی است؟** برخی مردم سیاستمدار را فردی مقتدر و متنفذ می‌شناسند و برخی فردی ستم‌پیشه و ریاکار. البته میزان زیادی از این واکنش‌ها به سوگیری خود افراد برمی‌گردد. مردم قدرتی را که مانع فرار مالیاتی ثروتمندان می‌شود، تحسین می‌کنند، ولی همین دولت از سوی کسانی که تمایل به تخلف مالیاتی دارند، نکوهش می‌شود.

سابقه تاریخی اعمال تنبیهی قدرت، شهرت هراسناکی برای قدرت پدید آورده است. قدرت اقناعی بر بسیاری از اعمال قدرت‌ها، سرپوش می‌گذارد و آن را پنهان می‌کند که وقتی آشکار می‌شود، بسیار ناحق و ناروا به نظر می‌آید. با وجود این هیچ کدام از این موارد باعث نمی‌شود که قدرت، موضوع و پدیده‌ای نفرت‌انگیز قلمداد شود. **چرا قدرت به عنوان یک ضرورت اجتماعی شناخته می‌شود؟** قدرت یک ضرورت اجتماعی است. در جامعه

و زندگی اجتماعی، اعمال قدرت یا تبعیت برخی در برابر خواست و اراده دیگران اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن خیلی از کارها شدنی نیست. **چرا همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم؟** آشکار است که قدرت نامشروع، غیراخلاقی و غیرقانونی می‌تواند یک فساد و شر اجتماعی باشد؛ ولی خود قدرت به هیچ وجه امر شر و پلیدی نیست. از این رو، همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم تا شرعی، اخلاقی و قانونی بودن آن را دریابیم. در عین حال همواره باید مراقب باشیم از مواجهه بدبینانه و زاهدانه

با قدرت نیز خودداری کنیم. **هر کنش سیاسی به چه منظور انجام می‌شود؟** **۱۴۰۱ خرداد ۱۴۰۲**

هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود یا با هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف، پیشگیری از تغییری است که وضعیت را «بدتر» می‌کند و هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف، ایجاد وضعیت «بهتر» است. پس تمامی کنش‌های سیاسی با دو مفهوم «بهتر» و «بدتر» هدایت می‌شوند. اما چگونه بهتر و بدتر را تشخیص

می‌دهیم؟ **مهمترین هدف ما در زندگی چیست؟** **مهم‌ترین هدف ما در زندگی، دستیابی به فضیلت‌های فردی و سعادت همگانی، شهریور ۱۴۰۲**

است. «فضیلت» و «سعادت» در «زندگی خوب» یا «جامعه خوب» به دست می‌آید. از این رو، فعالیت‌های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب»، یعنی برای دستیابی به فضیلت و سعادت باشد. **چرا امور سیاسی پدیده‌های خنثی نیستند؟ شرح دهید. دی ۱۴۰۱** همواره مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ یعنی امور سیاسی، پدیده‌هایی خنثی نیستند. به علاوه اینکه امور سیاسی همواره

از انسان‌ها، اطاعت، وفاداری و تصمیم می‌خواهند. **ایا تشخیص دقیق خوب از بد امکان پذیر است؟ با مثال**

شاید در عمل، تشخیص دقیق «خوب» از «بد» بسیار دشوار باشد، اما غیرممکن نیست. برای

مثال آیا اگر نتوانیم تشخیص دهیم که کدام یک از دو کوهی که قله آنها پشت ابرها پنهان

است، ارتفاع بیشتری دارد، بدین معناست که نمی‌توانیم تشخیص دهیم که کوه از تپه خاکی

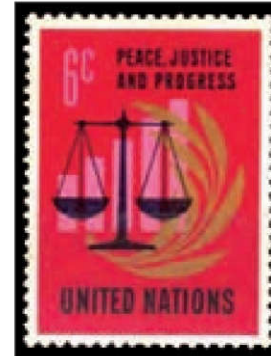
بلندتر است؟ آیا اگر نتوانیم درباره جنگ میان دو کشور همسایه قضاوت کنیم و بگوییم که کدام

مقصر و کدام بی‌تقصیر است، نمی‌توانیم بگوییم که اشغالگری و تجاوز قابل قبول نیست؟ آیا

باید دشواری خوب و بد را بهانه‌ای برای دست کشیدن از شناخت معتبر و علمی دانست و ادعا

کرد که داوری عقلانی و علمی میان ارزش‌های سیاسی و به تبع آن، داوری درباره پدیده‌های

سیاسی و قدرت غیرممکن است؟ **خیر**



■ اغلب جهان‌های اجتماعی رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. حمایت از مظلومان، دفاع از عدالت، آزادی و... از ارزش‌های حق‌اند.



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.



■ روز بزرگداشت استقلال هند، تاریخی است که قانون اساسی هند به جای قوانین دولت استعماری انگلیس به اجرا در آمد. این روز محبوب‌ترین تعطیلات ملی هند است.

■ جامعه‌شناسی و مطالعه قدرت

ایا می‌توان نتایج مطالعه یک جامعه و فرهنگ را به همه جوامع تعمیم داد؟ توضیح دهید
(جوامع و فرهنگ‌ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده‌ایم، به همه جوامع دیگر تعمیم بدهیم؛ مثلاً نمی‌توانیم نتایجی را

که از مطالعه جوامع غربی به دست می آوریم، به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند، تعمیم و تسری دهیم.)



■ ماکس وبر شهر را زیستگاهی که دارای قلعه و برج و بارو، بازار، دادگاه مستقل و ... است، تعریف می کند. اگر پژوهشگری از منظر وبر به مطالعه جوامع غیراروپایی بپردازد، به اشتباه این گونه نتیجه گیری خواهد کرد که شهر فقط در اروپا وجود داشته است. نمی توان نتایج حاصل از مطالعه جوامع غربی را به جوامع دیگر تعمیم داد

برای جلوگیری از اشتباه تعمیم نتایج مطالعه یک جامعه به همه جوامع، از چه روشی باید استفاده کرد؟
(برای پیشگیری از چنین اشتباهی، ناگزیر باید سایر جوامع و فرهنگ ها را نیز مطالعه و بررسی کنیم.) اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم؛ بدین صورت که در مطالعه سایر جوامع و فرهنگ ها، به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را مثلاً از منظر غرب یا شرق مطالعه کنیم و معنای پدیده های اجتماعی و سیاسی در آن فرهنگ ها را به درستی دریافت نکنیم. **برای پیشگیری از اشتباه "عدم توجه به معانی فرهنگی یک جامعه"، باید از چه روشی استفاده کرد؟**
نکنیم. برای جلوگیری از این خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگ های دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با رویکرد تفسیری به بررسی آنها بپردازیم. در این صورت با مشکل دیگری مواجه می شویم: **استفاده از رویکرد تفهیمی - تفسیری در مطالعه جوامع، با کدام اشکال مواجه است؟**
مطالعات پایان پذیر و تمام نشدنی می سازد. وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند، ببیند و بررسی کند،

چرا جامعه شناسان تبیینی، ارزش های سیاسی را قابل مطالعه نمی دانند؟ دی 99

امکان مقایسه و دآوری فرهنگ ها و ارزش ها از دست می رود.
دی 1401) جامعه شناسی، تبیینی، چرا جامعه شناسی تبیینی، قدرت را به عنوان یک پدیده مادی و فاقد معنا مطالعه می کند؟ خرداد 98
خرداد 1404) جامعه شناسی، تبیینی، با منحصر کردن علم به علوم تجربی که صرفاً موضوعات مادی و محسوس را مطالعه می کند، ارزش های انسانی از جمله ارزش های سیاسی را که تماماً مادی و محسوس نیستند، قابل مطالعه علمی نمی داند و ناگزیر با معنزدایی و ارزش زدایی از سیاست و قدرت و

دی 1401) جامعه شناسی، تبیینی، قدرت را به عنوان یک پدیده مادی و فاقد معنا، از شناخت واقعی آنها باز می ماند.
دی 1401) جامعه شناسی، تفسیری، امور سیاسی را چگونه مطالعه می کند؟ شهریور 99، شهریور 1400، شهریور 1401
جامعه شناسی، تفسیری، سیاست و قدرت را پدیده های معنادار و ارزشی می داند، اما صرفاً به توصیف ارزش های سیاسی، مختلف بسنده می کند و نمی تواند برای مقایسه آنها با یکدیگر و تشخیص درست از غلط یا خوب از بد، ملاک و معیاری به دست آورد. علاوه بر این، سیاست و

قدرت، خارج از ذهن مردم و مستقل از ادراک آنها، وجوهی محسوس و واقعی دارد که رویکرد تفسیری به علت تمرکز بر ذهنیت‌ها، توان مطالعه و بررسی آن را نیز ندارد.

بنابراین رویکردهای تبیینی و تفسیری ملاک و معیاری برای داوری علمی درباره همه لایه‌های قدرت، سیاست و ارزش‌های سیاسی به دست نمی‌دهند. به همین دلیل جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه کارند؟ خرداد ۹۹

معتقدند که این دو رویکرد محافظه کارند و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می‌سازند. جامعه‌شناسان انتقادی چه چیزی را مرگ سیاست و بن بست زندگی انسان معرفی می‌کنند؟ دی ۱۴۰۲

انتقادی، یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی، به ویژه در عرصه سیاست و قدرت را ضروری می‌دانند و دست شستن از این آرمان بزرگ را مرگ سیاست و بن بست زندگی انسان معرفی می‌کنند. در درس‌های آینده، باید دید جامعه‌شناسی انتقادی در این زمینه چه توفیقی به دست می‌آورد.

دی ۱۴۰۱
خرداد ۱۴۰۴
شهریور ۱۴۰۴

تفسیر کنید

«عمق و سطح سیاست و قدرت»

در سال‌های گذشته آموختید که می‌توان ارزش‌های اجتماعی را در سه قلمرو مطالعه کرد. پیدایش، قوام و دوام ارزش‌ها در دو قلمرو آرمانی و واقعی، محصول آگاهی، خواست و عمل مردم است، ولی در قلمرو حقیقی، ارزش‌ها، مستقل از خواست و تمایل افرادند. خوب بودن فضیلتی مانند «عدالت» و بد بودن رذیلتی مانند «ظلم» به خواست و تمایل هیچ فرد، گروه یا جامعه‌ای وابسته نیست، ولی عدالت تنها با آگاهی، اراده و عمل مردم در زندگی اجتماعی اجرا و محقق می‌شود. آیا علم و دانشی وجود دارد که ارزش‌ها را در قلمرو حقیقی شناسایی کند؟ جدول زیر ظرفیت رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی را در مطالعه ارزش‌های سیاسی در این سه قلمرو نشان می‌دهد. آن را تفسیر کنید.

رویکردهای جامعه‌شناختی			ارزش‌های سیاسی	ارزش‌ها
انتقادی	تفسیری	تبیینی		
؟	—	—	فضیلت و رذیلت‌های سیاسی	قلمرو حقیقی
+	+	—	معانی و تدابیر سیاسی، قوانین	قلمرو آرمانی
+	—	+	قدرت	قلمرو واقعی

جدول زیر دو نوع نظام سیاسی لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی را با هم مقایسه می‌کند. محورهای مقایسه آن به شرح زیر از جدول فعالیت قبلی استخراج شده‌اند.

- مشارکت مردم: نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود چیست؟
- ارزیابی فعالیت و تصمیم مردم و حاکمان: فعالیت‌ها و تصمیم‌های مردم و حاکمان با چه ملاک‌هایی ارزیابی می‌شود؟
- تعامل نظام سیاسی و جهان اجتماعی: هر نظام سیاسی با کدام جهان اجتماعی سازگاری دارد؟
- تعامل علوم اجتماعی و نظام‌های سیاسی: ملاک ارزیابی فعالیت‌ها و تصمیم‌های مردم و حاکمان را کدام علم اجتماعی کشف می‌کند؟

مقایسه کنید

جمهوری اسلامی	لیبرال دموکراسی
دو واژه "جمهوری" و "اسلامی" به چه معناست؟ - در این ترکیب، جمهوری به این معناست که مردم خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و اسلامی نشانگر این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی براساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان می‌یابد. قوانین و مقررات در نظام جمهوری اسلامی چگونه وضع می‌شوند؟ (- قوانین و مقررات آن با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند.) در جدول زیر نظام سیاسی جمهوری اسلامی و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی با هم مقایسه شده‌اند، با توجه به ویژگی‌ها آن را کامل کنید. خرداد ۱۴۰۲ - نظام سیاسی سازگار با فرهنگ توحیدی که در جهان اسلام مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.	لیبرال دموکراسی به چه معناست؟ - لیبرالیسم به معنای مجاز دانستن همه امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است. در نظام لیبرال دموکراسی چرا نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت؟ دی ۱۴۰۲ (- با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می‌گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد.) در جدول زیر نظام سیاسی جمهوری اسلامی و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی با هم مقایسه شده‌اند، با توجه به ویژگی‌ها آن را کامل کنید. خرداد ۱۴۰۲ - نظام سیاسی سازگار با فرهنگ جهان غرب که رویکردی سکولار و دنیوی به جهان هستی دارد.

مقایسه کنید	
جمهوری اسلامی	لیبرال دموکراسی
- ارزش‌های سیاسی و قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می‌شوند. مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آنها را به عهده دارند.	- در این نظام آزادی مهم‌ترین ارزش اجتماعی است و ثبات، رفاه و سلطه بر طبیعت از دیگر ارزش‌های مهم آن به شمار می‌روند.
- در این نظام فقط می‌توان از مقبولیت قدرت حرف زد و نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.	- در این نظام فقط می‌توان از مقبولیت قدرت حرف زد و نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.

مهم‌ترین ارزش در نظام لیبرال دموکراسی چیست و ارزش‌های مهم را نام ببرید

در جدول زیر نظام سیاسی جمهوری اسلامی و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی با هم مقایسه شده اند، با توجه به ویژگی‌ها آن را کامل کنید. خرداد ۱۴۰۲

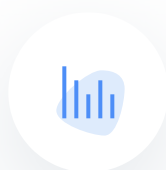
مباحثه کنید

زندگی اجتماعی انسان‌ها به‌ویژه در عرصه سیاسی، عرصه انتخاب دمامد ارزش‌هاست. به نظر شما دست شستن از داوری علمی و عقلانی درباره ارزش‌های اجتماعی و سیاسی چه نتایجی به دنبال خواهد داشت؟



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد